



# فرهنگ تخصصی اصطلاحات ادبی معانی، بیان، بدیع

مؤلف

دکتر معصومه موسایی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

تهران

۱۳۹۱





## فرهنگ تخصصی اصطلاحات ادبی

|                        |                        |
|------------------------|------------------------|
| مؤلف:                  | دکتر معصومه موسایی     |
| ویراستار:              | دکتر حمیدرضا شایگان‌فر |
| ویراستار فنی:          | پروانه خادمی           |
| صفحه‌آراز:             | پروانه خادمی           |
| طراح جلد:              | عزیز محسنی             |
| ناشر:                  | کلک سیمین              |
| ناظر چاپ:              | اسدالله معظمی‌گودرزی   |
| لینوگرافی، چاپ، صحافی: | طرح بسنا               |
| نوبت چاپ:              | اول                    |
| سال چاپ:               | ۱۳۹۱                   |
| تیراژ:                 | ۱۰۰۰                   |
| قیمت:                  | ۸۰۰۰۰ ریال             |

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۶۸-۵۳-۲

تهران: خیابان انقلاب، بین دانشگاه و ایوربحان، ساختمان فردرین، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۸ واحد ۳۱، تلفکس: ۶۶۴۴۸۵۴۵  
kelke\_simin@yahoo.com

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

|                     |                                                                |
|---------------------|----------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | موسایی، معصومه، ۱۳۴۵ -                                         |
| عنوان و نام پدیدآور | فرهنگ تخصصی اصطلاحات ادبی / موسایی، بیان، بدیع / معصومه موسایی |
| مشخصات نشر          | تهران: کلک سیمین، ۱۳۹۰.                                        |
| مشخصات ظاهری        | ۱۴۴ص.                                                          |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۶۸-۵۳-۲                                              |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | فیا                                                            |
| یادداشت             | واژه‌نامه.                                                     |
| موضوع               | معانی و بیان -- واژه‌نامه‌ها                                   |
| موضوع               | بدیع -- واژه‌نامه‌ها                                           |
| موضوع               | فارسی - بدیع - واژه‌نامه‌ها                                    |
| رده‌بندی کنگره      | ۱۳۹۰ ف ۴ / م ۸ / PIR336                                        |
| رده‌بندی دی‌جی      | ۸۴ / ۴۲                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | ۲۳۴۵۶۴۶                                                        |

## سخن کلک

سخن کلک هم سخنی است از آن دست سخنان که دیگران آورده‌اند و رانده‌اند؛ این هم سخنی است نیمه‌بریده که عمر به پایان می‌رساند و به پایان نمی‌رسد. حدیثی است دیگر از زبان کلکی دیگر، این حدیث از سر دردی است که ما می‌گوئیم؛ اگرچه ما را از درد عشق با کس حدیث نیست و حاجتی نیست که بر زبان آید، اما گریز و گریزی هم نیست جز آنکه در بیان آید و از کلکِ سیمین تراود و زاید.

کلکِ سیمین هم ناشری است چون دیگران، دیر آمده است با کوله‌باری از سخنان نیمه‌بریده، از همه چیز و از همه جا، تا همیشه ... کلکِ سیمین، جامه خدمت بر تن کرده برای نشر آثار فخیم و انتشار اندیشه‌های عظیم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید؛ که گفته‌اند:

«ایتم قبول بس که بمیرم بر آستان  
تا نسبتم کنند که خدنگزار اوست»

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                             |
|------|-----------------------------------|
| ۷    | مقدمه                             |
| ۱۵   | پی‌نوشت                           |
| ۱۷   | مختصری دربارهٔ بدیع، بیان و معانی |
| ۲۰   | نشانه‌های اختصاری                 |
| ۲۱   | متن فرهنگ                         |
| ۱۱۱  | تعلیقات و توضیحات                 |
| ۱۲۱  | مآخذ اصطلاحات بدیعی               |
| ۱۲۹  | فهرست اصطلاحات                    |
| ۱۳۵  | فهرست اصطلاحات محذوف              |
| ۱۳۹  | واژه‌نامه                         |
| ۱۴۵  | منابع                             |

## مقدمه

بسیاری از کتابهایی که تاکنون به عنوان فرهنگ اصطلاحات ادبی و نظایر آن، تألیف یا ترجمه شده است، شامل مباحث گسترده‌ای است از قبیل قالبهای شعری، صنایع ادبی، عروض و قافیه، نقد ادبی، سبک‌شناسی، داستان‌نویسی و حتی تاریخ ادبیات. از مشهورترین این گونه کتابهاست:

۱. فرهنگ اصطلاحات ادبی، سیما داد
۲. فرهنگ اصطلاحات ادبی، مارتین گری، ترجمه منصوره شریف‌زاده
۳. فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ایلمز، ترجمه سعید سبزیان
۴. فرهنگ بلاغی-ادبی، ابوالقاسم رادفر
۵. فرهنگ ادبیات فارسی، زهرا خانلری (کیا)

به دلیل گستردگی حدود و زمینه کار در فرهنگهای یادشده، بسیاری از اصطلاحات ادبی در آنها مطرح نشده است؛ مثلاً در فرهنگ ادبیات فارسی، تعداد کمی از اصطلاحات مربوط به بدیع، بیان و عروض و قافیه آمده است و بخش عمده آن به معرفی اجمالی برخی شخصیتها و کتب معروف، اعم از ادبی و غیرادبی اختصاص یافته است.

از سوی دیگر، اصطلاحات مربوط به فلسفه، منطق، عرفان، نجوم و... نیز به بعضی از این فرهنگها راه یافته است، به ویژه در فرهنگ بلاغی-ادبی و فرهنگ ادبیات فارسی. در کتابهای ترجمه‌شده نیز به جز اشکالاتی از این دست، با فقدان بسیاری از اصطلاحات مختص ادبیات فارسی روبه‌رو هستیم.

باری تنوع و تعدد مباحث ادبی ایجاب می‌کند که برای هریک از این مباحث، فرهنگهای تخصصی با عناوین و موضوعات محدودتری تهیه شود. نمونه‌های این گونه فرهنگها، فرهنگ عروضی از دکتر سیروس شمیسا و فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از بهرام مقدادی است.

فرهنگ حاضر نیز در پاسخ به چنین ضرورتی با شیوه‌ای متفاوت با فرهنگهای موجود تدوین شده است.

## ویژگیهای فرهنگ حاضر

### ۱. موضوع

فرهنگ حاضر از لحاظ موضوعی، مشتمل بر اصطلاحاتی است که در حیطهٔ زیباشناسی سخن کاربرد دارند؛ یعنی سه علم معانی، بیان و بدیع.

### ۲. منابع

تمامی اصطلاحات از مهم‌ترین و مشهورترین کتابهایی که در این سه زمینه به فارسی نوشته شده، استخراج شده است.

در زمینهٔ بدیع که با کثرت منابع روبه‌رو هستیم، بعضی از کتابها را بر مبنای اهمیت، اعتبار، معروفیت و اشتغال آنها بر صنایع مختلف بدیعی مورد استفاده قرار دادیم که مهم‌ترین آنها از این قرار است.

۱. نگاهی تازه به بدیع، دکتر سیروس شمیسا

۲. فنون بلاغت و صناعات ادبی، استاد همایی

۳. ابداع البدایع، شمس العلما گراکانی

۴. درّهٔ نجفی، نجفقلی میرزا

۵. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، واعظ کاشفی

۶. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی

۷. حقایق السحر فی دقائق الشعر، رشید و طواط

۸. ترجمان البلاغه، رادویانی

در زمینهٔ معانی و بیان، مهم‌ترین منابعی که از آنها استفاده کرده‌ام، عبارتند از: کتابهای معانی و بیان از دکتر سیروس شمیسا؛ کتابهای معانی و بیان از دکتر کزازی؛ معانی و بیان، استاد همایی؛ معانی بیان، استاد آهنی؛ بیان در شعر فارسی، دکتر ثروتیان؛ معانی و بیان، دکتر تجلیل.

### ۳. شیوهٔ تعریف و توضیح اصطلاحات

هرچند که اصطلاحات از کتابهای بلاغی استخراج شده، نکتهٔ مهم به ویژه دربارهٔ اصطلاحات بدیعی این است که به گردآوری اصطلاحات و نقل تعاریف و شواهد اکتفا نشده است؛ بلکه:

الف) در نقل تعاریف به ویژه تعاریف ناقص، نارسا و بعضاً نامفهوم، دخل و تصرف روا داشته‌ام؛ برای مثال در ترجمان‌البلاغه (رادویانی، ۹۱-۹۲) در تعریف صنعت «تعجب» آمده است: «یکی از جمله بلاغت آن است که شاعر، سخن را از محل آشنایی چونین نفی کند و به محل بیگانه ثابت کند، یا چیزی را کم کند به جایی که آن جای بدان چیز معروف بود و موجود و به جایگاه مخالف نیاید، یا چیزی را بی سبب ثابت کند و مانند این بر سبیل تعجب بود؛ چنان که عنصری گوید:

نیست مانی بر پس چون باغ از ارنگ شد؟      نیست آزر باد پس چون باغ ازو شد پرنگار؟

...

قَمَری گوید:

اگر ز آتش رخسار او بسوزد مشک      چرا ز دور بسوزد همی دل من زار؟

چند بیت دیگر هم از جمله این بیت عنصری را نقل کرده است:

نیستی دیوانه بر آتش چرا غلتی همی؟      نیستی پروانه گردِ شمع چون جولان کنی؟

رشید و طواط در حدائق‌السحر فی دقایق‌الشعر (وطواط، ۸۴) در تعریف «تعجب» می‌گوید: «این صنعت چنان باشد که شاعر در بیت از چیزی تعجب و شگفتی نماید؛ مثلاً ادیب ترک گوید:

أيا شمعاً يُضيءُ بلا انطفاء      و يا بدراً كسوف بلا مُحاق  
فأنت البدرُ ما معنى انتقاصي؟      و أنت الشمعُ ما سبب احتراقِي؟<sup>(۱)</sup>

و در ادامه بیتی از عنصری (نیستی دیوانه بر آتش...) و بیتی از خودش به عنوان شاهد آورده است.

در کتابهای دیگر بدیعی هم مثل بدایع‌الافکار فی صنایع‌الشعار، ابدع‌البدایع و درة نجفی نیز همین تعریف اخیر را با شواهدی بعضاً تکراری آورده‌اند؛ حال آنکه اظهار تعجب از امری، به خودی خود ارزش هنری ندارد و ظاهراً به همین دلیل هم بدیع‌نویسان معاصر اشاره‌ای به چنین صنعتی نکرده‌اند.

به نظر نگارنده، اظهار تعجب از چیزی در صورتی می‌تواند هنری و بدیعی محسوب شود که متضمن لطیفه و دقیقه‌ای باشد؛ چنان‌که با دقت و تأمل در شواهدی که برای این صنعت نقل کرده‌اند، درمی‌یابیم که در تمامی موارد، تعجب شاعر، حاصل تناسی تشبیه است.

از این رو اولاً «تعجب» را جزو بدیع معنوی مطرح کرده‌ام، ثانیاً تعریف آن را به این صورت تکمیل و اصلاح کرده‌ام: «آن است که شاعر به لحاظ تناسی تشبیه، اظهار تعجب کند». بی‌توجهی به این نکته باعث می‌شود که مطابق تعریف قدما هرگاه در بیتی یا تعجب شاعر روبه‌رو شویم، آن را صنعت تعجب بنامیم؛ چنان‌که در یکی از کتب متأخر بدیعی،<sup>(۲)</sup> ابیات زیر، به عنوان نمونه‌هایی از صنعت تعجب نقل شده است:

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جلد      ای عجب من عاشق این هر دو ضد  
(مولانا)

آنش عشق من این گونه که در خلق گرفت      عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است  
(سعدی)

به هر حال، در تدوین این فرهنگ سعی شده است برای هریک از اصطلاحات، تعریفی دقیق، موجز و جامع، با زبانی ساده ارائه شود.

ب) اصطلاحات به صورت الفبایی تنظیم شده است، ولی با ذکر علائم اختصاری (م، بن، بل، بم) که به ترتیب بیانگر معانی، بیان، بدیع لفظی و بدیع معنوی است، مشخص شده که اصطلاح موردنظر، مربوط به کدام یک از این حوزه‌هاست.

ج) با شیوه‌ای که در تعریف صنایع بدیعی به کار برده‌ام، تعداد زیادی ترتیب و نظم منطقی صنایع و ارتباط مباحث حفظ شده است؛<sup>(۳)</sup> به این طریق که:  
اولاً: چنان‌که قبلاً گفته شد با علامتهای اختصاری «بل» و «بم» نوع صنایع را از لحاظ لفظی یا معنوی بودن مشخص کرده‌ام.

ثانیاً: روبه‌روی هر صنعت نامهای مختلف آن را ذکر کرده‌ام و قبل از تعریف و ارائه مثال، به این مطلب هم اشاره کرده‌ام که این صنعت از مصادیق کدام روش بدیعی است.<sup>(۴)</sup>  
بدین ترتیب خواننده علاوه بر آشنایی با صنعت موردنظر، با مراجعه به روش مذکور، با ژرف ساختن آن صنعت و ارتباط آن با صنایع دیگر نیز آشنا خواهد شد.

د) برخی از اصطلاحات بدیعی علاوه بر اینکه بر صنعتی خاص اطلاق می‌شود، بر یکی از روشهای بدیعی یعنی مجموعه‌ای از صنایع که ژرف ساختن مشابهی دارند نیز اطلاق



می‌شود؛ مثلاً «تناسب» هم نام یکی از صنایع معنوی است و هم نام یکی از روشهای بدیع معنوی است که صناعی مثل تناسب، تضاد و... را دربر می‌گیرد.<sup>(۵)</sup> از این رو چنین نامهای مشابه، جداگانه و با ذکر شماره، مشخص شده و در ارجاعات هم این نکته رعایت شده است.

#### ۴. شیوهٔ ارائهٔ شواهد و مثالها

برای هریک از آرایه‌های بدیعی و بیانی، با توجه به اهمیت هر کدام از یک تا سه بیت و گاه بیشتر، به عنوان شاهد نقل کرده‌ام و بنا به ضرورت، بیت و آرایهٔ مورد نظر را توضیح داده‌ام. بسیاری از شواهد، ابیاتی است که خود از اشعار، شاعران استخراج و با ذکر مأخذ، نقل کرده‌ام. شواهدی هم که از کتب بلاغت نقل شده، به جز چند مورد، با مراجعه به دیوانهای مربوط بازجسته، مأخذ دقیق هر کدام را ذکر کرده‌ام.

باری مأخذ هریک از شواهد و مثله به صورت اختصاری و با ذکر شماره صفحهٔ مربوط در پایان هر بیت آمده است؛ به این نحو که:

(الف) ابیاتی را که از غزلیات سعدی نقل کرده‌ام، با نام «سعدی» مشخص شده است. شماره صفحه‌ای که در پایان این ابیات و نیز سملات و ابیات منقول از گلستان و بوستان آمده است مربوط به کلیات سعدی است که مشخصات آن را در منابع آورده‌ام.

(ب) ابیاتی که از غزلیات شمس نقل کرده‌ام، با نام «مولانا» و ابیاتی که از مثنوی نقل کرده‌ام، با نام «مثنوی» مشخص شده است. رقم سمت راست، شمارهٔ جلد و رقم سمت چپ، شمارهٔ صفحهٔ آن را نشان می‌دهد.

(ج) ابیاتی را که از نظامی نقل کرده‌ام، با نامهای «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «شرفنامه» و... مشخص شده است و شمارهٔ صفحه‌ها در همهٔ موارد مربوط به کلیات نظامی است که مشخصات آن در منابع آمده است.

(د) ابیات منقول از حافظ با نام «حافظ» و شمارهٔ غزل مربوط آمده است.

#### ۵. اظهار نظر نگارنده دربارهٔ بعضی اصطلاحات

ضمن مطالعهٔ کتب بلاغی و تأمل در تعاریف و توضیحات، نظریاتی به ذهنم رسید که برای آشنایی بیشتر خواننده با آرایه‌ها و یادگیری بهتر او مفید و راهگشاست.

از این رو بنا به ضرورت، برخی از نظریات انتقادی و پیشنهادی خود را تحت عنوان «تعلیقات و توضیحات» مطرح کرده‌ام که در پایان هریک از اصطلاحات مربوط، بدانها ارجاع داده‌ام.

## ع. مطرح کردن لفظ پردازیه‌ای متکلفانه شعرا

در برخی از کتب بدیعی، مواردی را به عنوان صنعت بدیعی مطرح کرده‌اند که نه تنها هنری نیست بلکه پرداختن به آنها در بسیاری موارد، معنی را فدای لفظ می‌کند. برای مثال در «رُقطاء شاعر، مقید و مجبور است که بیت را طوری تنظیم کند که حروف آن، به ترتیب یکی نقطه‌دار و دیگری بی نقطه باشد. بدیعی است که این مطلب هیچ تأثیری در موسیقی آوایی (بدیع لفظی) و معنایی (بدیع معنوی) جمله یا بیت ندارد. صنایعی مثل خفیف، منقوط، غیر منقوط، حذف، موشع، متصل الحروف، منفصل الحروف و... از این گونه‌اند.

نگاهی اجمالی به تعریف و مثالهای هر کدام از اینها نشان می‌دهد که پرداختن به آنها از سر تفنّن و با تکلف و اغنات بی‌هوده همراه بوده است و اطلاق آرایه یا صنعت بدیعی بر آنها صحیح نمی‌نماید.<sup>(۶)</sup> دلیل بدیعی نبودن آنها همین بس که به جز گوینده، هیچ کس متوجه آن نمی‌شود؛ به همین دلیل خود شاعر به نحوی، وجود این بازیها را در بیت متذکر می‌شد. موارد دیگری هم مثل معنّا، لغز، ملحق، منجّح و تصحیف مطرح شده است که صرفاً جنبه سرگرمی دارد و ربطی به بدیع لفظی و معنوی ندارد؛ اما از آنجا که بخشی از بدیع سنتی به بررسی چنین مواردی اختصاص دارد، ذکر آنها را در فرهنگ حاضر، خالی از فایده ندیدم؛ البته این اصطلاحات را با علامت اختصاری «ت» که بر تفنّن، تکلف و تصنع دلالت دارد، مشخص کرده و به این ترتیب آنها را از صنایع بدیعی متمایز ساختم.

## ۷. ذکر مآخذ اصطلاحات بدیعی

به دلیل محدودیت مباحث معانی و بیان و توالی این مباحث مثل انواع مجاز، انواع تشبیه، احوال مسند و... در کتابهای مربوط، به ذکر مآخذ تک تک اصطلاحات به صورت مجزا نیازی نیست، اما چون آرایه‌های بدیعی، متعدد و کتابهای مربوط نیز فاقد فهرست الفبایی است، مآخذ اصطلاحات بدیعی را جداگانه و تحت همین عنوان ذکر کرده‌ام. به این نحو که تمامی اصطلاحات بدیعی که در فرهنگ حاضر آمده است، به ترتیب الفبایی در یک جا گرد آمده، نام منبع یا منابعی را که هریک از اصطلاحات در آن به کار رفته، به ترتیب تاریخی از جدید به قدیم ذکر کرده، شماره صفحه مربوط را روبه‌روی هر کدام نوشتم.

## ۸. حذف برخی از اصطلاحات و دلایل آن

در برخی از کتابهای بدیعی، مواردی را به عنوان صنایع بدیعی مطرح کرده‌اند که پرداختن به آنها را در فرهنگ حاضر، جایز ندیدم. این اصطلاحات به طور کلی چهار دسته هستند:

۱. برخی از آنها به دیگر علوم ادبی مثل نقد ادبی، انواع ادبی و... مربوط می‌شود و ربطی به بدیع ندارد؛ مثل نزاهت، تفویف، مستزاد و...

۲. بسیاری از این اصطلاحات، نامهایی هستند که بر تقسیمات متعدد صنایع، اطلاق شده است. بدین ترتیب که برخی از صنایع را بدون معیار و ملاک منطقی و صحیح، به انواع متعددی تقسیم کرده، بر هریک نامی نهاده‌اند؛ مثل انواع تکریر، انواع ردّ العجز علی الصدر، انواع لفّ و نشر و...<sup>(۷)</sup>

۳. برخی از این اصطلاحات، حاصل نام‌گذاری مجدد یک صنعت است؛ یعنی گاه بدیع‌نویسی بدون توجه به وجه اشتراک اساسی بین چند بیت، تشابهات ظاهری را در نظر گرفته، به تصور کشف صنعت جدید، اصطلاح جدیدی وضع کرده است؛ مثلاً صاحب *ابدع البدایع* دربارهٔ «مناقشه» می‌گوید: «آن است که متکلم، ادای مطلبی در کلام نماید و در جمله دیگر، جواب آن مطلب را خود بیان کند یا بر آن اعتراض کند و این صنعت از مستدرکات من است و مثال آن را همین اشعار سعدی کافی است:

شمع را باید از این خانه برون بردن و کشتن      تا که همسایه نداند که تو در خانه مایی  
کشتن شمع چه حاجت بود از بیم رقیبان      بر نو روی تو گوید که تو در خانه مایی

... ایضاً:

کس این کند که زیار و دیار برگردد؟      کند هر آینه چون روزگار برگردد...<sup>(۸)</sup>

همو در تعریف «رجوع» می‌نویسد: «بازگشت نمودن به سوی کلام سابق است به نقض و ابطال آن ...»<sup>(۹)</sup> و مثالهای متعددی از ابیات عربی و فارسی نقل می‌کند، از جمله:

«کس این کند که زیار و دیار برگردد؟      کند هر آینه چون روزگار برگردد»

\* \* \*

دلبندم آن پیمان گسل منظور جان آرام دل      نی‌نی دلارامش مخوان کرد دل ببرد آرام راه<sup>(۱۰)</sup>  
(سعدی)

ملاحظه می‌شود که علاوه بر مشابهت تعریف و مثالهای این دو صنعت، حتی یکی از مثالهای «رجوع» عیناً در «مناقشه» هم آمده است.

از این قبیل است صنعتی به نام «تعمیم» که با «اغراق» و «غلو» تفاوتی ندارد. صناعی مثل «حصص الجزئی و جعله کلیاً»، «تردید»، «عنوان» و «اضراب» را هم که صاحب *ابدع البدایع* از دیگران نقل کرده است، می‌توان جزء همین دسته قرار داد؛ چرا که صنایع فوق به ترتیب با «اغراق»، «تکرار»، «تلمیح» و «رجوع» تفاوتی ندارند.

۴. یکی دو مورد از اصطلاحاتی را که حذف کرده‌ام، صنایعی هستند که به زبان عربی اختصاص دارد و در زبان فارسی کاربردی ندارد؛ مثل «شبه‌الاستخدام» که صاحب *اب‌دع‌البدایع* آن را از مستدرکات خود دانسته و در تعریف آن گفته است: «آن است که علم مرکب اضافی، مثل کتبه مُصَدَّر به «آب»، «آم» یا «این» را ذکر نموده، پس از آن ضمیری آورند راجع به یکی از دو جزء مرکب و از آن، معنی اصلی کلمه را خواهند؛ چنان که در مدح ابن حسام قاضی گفته‌اند:

ابن الحسام فقیه نفوق کل فقیه و فضله فی الفصایا کبیل خدایه<sup>(۱۱)</sup>

مثالهای دیگر هم تماماً عربی است.

بدیهی است که بررسی تک‌تک این اصطلاحات و نقد کتب بدیعی به کار ما مربوط نمی‌شود و مواردی هم که ذکر شد، تنها برای نشان دادن ملاکها و معیارهای حذف این‌گونه اصطلاحات است. فهرستی از این اصطلاحات که تعدادشان به ۲۵۰ می‌رسد، تهیه کرده، تحت عنوان «فهرست اصطلاحات محذوف» در پایان کتاب آورده‌ام تا چنانچه خوانندگان محترم، اصطلاح مورد نظرشان را در فرهنگ حاضر نیافتند، مطمئن شوند از نظر نگارنده دور نمانده و آگاهانه حذف شده است.

#### ۹. واژه‌نامه

کلمات دشواری که در شواهد شعری به کار رفته، ذیل واژه‌نامه معنی شده است؛ به این نحو که از ذکر معانی متعدد یک واژه که باعث اتلاف وقت و سردرگمی خواننده می‌شود، خودداری شده و تنها معنی‌یی که به بیت مربوط می‌شود نوشته شده است. جلو بعضی کلمات بنا به ضرورت، شماره صفحه مربوط هم آمده است. فعلهایی مثل «بخست» و «فروهل» ذیل مصدر مربوط (خستن، فروخستن) معنی شده و به آن ارجاع داده شده است.

\*\*\*

سخن را به پایان می‌برم با تشکر از مدیر محترم انتشارات کلک سیمین، آقای دکتر اسداله معظمی گودرزی و دیگر دست‌اندرکاران چاپ این اثر به ویژه سرکار خانم پروانه خادمی و برای همه این بزرگواران آرزوی سلامتی و بهروزی دارم. پذیرای انتقادات و پیشنهادهای خوانندگان ارجمند هستم به نشانی:

mmusayi@yahoo.com